

بازخوانی واژه «فَلَقَ» بر اساس سیاق سوره

محمد حسین نقی زاده^۱ - دکتر صمد عبداللهی عابد^۲

چکیده

معنای واژه «فَلَقَ» در ابتدای سوره فَلَاق، از دیرباز محل اختلاف آرای مفسران و مترجمان قرآن بوده است. تأثیر تفاوت برداشت از یک کلمه بر تفاوت برداشت از مفهوم کل سیاق؛ به ویژه در سیاق‌های کوچک، بر کسی پوشیده نیست. نوشتار حاضر از این جهت فراهم آمده است تا با بررسی آرای مفسران فریقین و دلایل آنان درباره واژه «فَلَقَ» و نیز تحلیل آن‌ها، به بررسی معنای این واژه بپردازد. مفسران درباره معنای این واژه، سه دیدگاه مهم دارند؛ عده‌ای «فَلَقَ» را به معنای صبح، عده‌ای به معنای آفرینش، و عده‌ای به معنای مکانی در جهنم می‌پندارند. هر گروه برای دیدگاه خود، به اقامه دلایل و استشهاد از قرائنی پرداخته‌اند؛ اما بر اساس یافته‌های نوشتار حاضر، دلایل و شواهد ارائه شده در دیدگاه نخست و سوم اشکالاتی دارد و «فَلَقَ» در آن سوره، به معنای آفرینش است؛ چرا که این برداشت، سازگاری بیشتری با سیاق آیات سوره دارد.

کلیدواژه‌ها: فَلَاق، تفسیر سوره فلق، صبح، سیاق سوره.

شکوه سال سی و نهم / ش ۱۴۹ / زمستان ۱۳۹۹

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

Mhnmhnm87@gmail.com

۲- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید مدنی آذربایجان. S1.abdollahi@yahoo.com

دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱ - پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۳ (ص ۸۹-۱۰۶).

۱. مقدمه

معنا و مفهوم واژه «فَلَقَ» در نخستین آیه سوره فَلَقَ ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾؛ بگو: پناه می‌برم به پروردگار سپیده‌دم)، از دیرباز، محل اختلاف آرای دانشمندان اسلامی و مفسران قرآن کریم بوده است. اگر آیات درون سوره‌های قرآن را به عنوان واحدی پیوسته و منسجم در نظر بگیریم و به ارتباط معنادار میان آیات درون یک سوره معتقد باشیم، در این صورت در برخی موارد، برداشت متفاوت از معنای یک کلمه، به تفاوت در معنای جمله، یا آیه، و یا حتی سیاق می‌انجامد. اهمیت این موضوع، زمانی بیشتر می‌شود که سوره مورد بررسی، کوچک بوده و تفاوت برداشت از معنای یک کلمه، به تفاوت برداشت از موضوع سیاق و حتی موضوع محوری یا غرض سوره بینجامد، و همین جاست که ضرورت اطمینان از معنای صحیح یک واژه، رخ می‌نماید و نوعی حساسیت و وسواس، در مخاطب، برای دستیابی به مفهوم صحیح واژه به وجود می‌آید. در نوشتار حاضر، کوشش بر آن است تا با شیوه توصیفی - تحلیلی و نیز با استفاده از آرای مفسران، دیدگاه‌های مختلف مشهور درباره این واژه، با دلایل و مستندات هر دیدگاه ذکر گردیده و بررسی و اعتبارسنجی شود و در نهایت، گامی در جهت تبیین معنای مورد نظر برداشته شود.

پیش از ورود به بحث، شایان ذکر است که به رغم مطرح شدن موضوع پژوهش حاضر در لابه لای کتب تفسیری، پیش‌تر مقاله‌ای در این موضوع نوشته نشده است.

۲. مفهوم‌شناسی

قبل از ورود به بحث اصلی و بررسی دیدگاه‌های گوناگون درباره با مفهوم واژه «فَلَقَ»، شایسته است تا به معنای لغوی آن هرچند مختصر پرداخته شود.

راغب اصفهانی در کتاب مفردات ذیل ماده «ف ل ق»، معنای لغوی آن را چنین بیان کرده است: «سَقَى الشَّيْءَ وَإِبَانَةُ بَعْضِهِ عَنِ بَعْضٍ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۴۵)؛ شکافتن یک شیء و جدا کردن [دو طرف آن] از یکدیگر.

علامه حسن مصطفوی نیز در کتاب التحقيق، در مورد واژه «فَلَقَ»، مفهوم مشابهی را

بیان داشته، می نویسد: «أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي الْمَادَّةِ: هُوَ انْشِقَاقٌ مَعَ حُصُولِ إِبَانَةِ بَيْنِ الطَّرْفَيْنِ» (مصطفوی، ۱۴۲۶: ۱۳۷/۹)؛ اصل واحد در این ماده، شکافته شدن یک چیز، با حصول جدا شدن دو طرف آن از هم است.

در تفاوت میان «فلق» و «سَقَّ» چنین گفته اند که «سَقَّ»، تنها جدا کردن و دو بخش کردن چیزی است؛ اما تفاوتی نمی کند که آن چیز کاملاً دو نیم شده و از هم جدا گردد یا نه. با این حال، حصول جدایی کامل دو قسمت شیء از یکدیگر، قیدی است که در معنای «فَلَقَّ» نهفته است (همان جا).

واژه «فَلَقَّ»، در موارد فراوانی به کار رفته است که از معروف ترین آن ها، به معنای «صبح» است. وقتی واژه «فَلَقَّ» در مورد صبح به کار رود، معنایش چنین خواهد بود که طلوع خورشید، شب را از صبح کامل جدا می کند (بنگرید به: طوسی، بی تا: ۴۳۲/۱۰). خلیل بن احمد فراهیدی نیز در ابتدای سخن از واژه «فَلَقَّ»، آن را به معنای فجر و صبح گرفته است (بنگرید به: فراهیدی، ۱۴۱۴: ماده فلق). در تاریخ زبان عربی، واژه «فَلَقَّ» در مورد صبح، چنان پرکاربرد بوده است که در برخی موارد، از این واژه به صورت مطلق، معنای صبح اراده شده است. همچنین عده ای معتقدند که «فَلَقَّ» در سوره فلق، معنای مفعولی دارد و در حقیقت به معنای «مفلوق» است (بنگرید به: طریحی، ۱۳۷۵: ۲۲۹/۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۹۲/۲۰).

۳. دیدگاه های مختلف در معنای واژه «فَلَقَّ»

مفسران و مترجمان قرآن کریم، دیدگاه های گوناگونی را درباره معنای واژه «فَلَقَّ» در آیه نخست سوره فلق ارائه کرده اند که می توان آن ها را به طور کلی، به سه دیدگاه مشهور تقسیم کرد:

۳-۱. دیدگاه نخست؛ فَلَقَّ به معنای صبح

گروهی از مفسران و مترجمان قرآن کریم، «فَلَقَّ» را به معنای «صبح» و «سپیده دم» می دانند. چنان که گذشت، وقتی واژه «فَلَقَّ» در مورد صبح به کار رود، معنایش چنین

خواهد بود که طلوع خورشید، شب را از صبح، کاملاً جدا می کند و می شکافد. به نظر می رسد که این معنای فلق، به اعتبار شکافتن تاریکی و بیرون آمدن نور است. برای مثال، برخی از مترجمان، آیه نخست سوره فلق را چنین ترجمه کرده اند:

۱. «بگو پناه می برم به پروردگار شکاف صبح» (ترجمه مصباح زاده، ۱۳۸۰).

۲. «بگو ای رسول پناه می برم به پروردگار شکافنده صبح روشن» (ترجمه بانوامین اصفهانی، بی تا).

۳. «بگو پناه می برم به پروردگار فروزنده صبح» (ترجمه کاویان پور، ۱۳۷۸).

۴. «بگو: پناه می برم به پروردگار سپیده دم» (ترجمه فولادوند، ۱۳۷۳).

۵. «بگو: پناه می برم به خداوندگار سپیده دم که تاریکی را می شکافد» (ترجمه صفوی، ۱۳۸۸).

تفاسیر متعددی از عامه و خاصه نیز وجود دارند که پیرو همین دیدگاه هستند (بنگرید به: تستری، ۱۴۲۳: ۲۵؛ صنعانی، ۱۴۱۱: ۲/۳۳۳؛ فراء، ۱۹۸۰: ۳/۳۰۱؛ ابو عبیده، ۱۳۸۱: ۲/۳۱۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۸۲۰؛ طبری، ۱۴۱۲: ۳/۲۲۵؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۴/۵۶۳؛ ابن عربی، ۱۴۲۲: ۲/۴۷۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰/۳۹۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۷/۴۵۸؛ فضل الله، ۱۴۱۹: ۲۴/۴۹۲).

طبری در تفسیر جامع البیان نقل کرده است که عده ای از مفسران صدر اسلام، همچون ابن عباس، مجاهد، حسن [از مفسران پیشین]، سعید بن جبیر و جابر بن عبدالله، «فَلَقَ» را در آیه یاد شده، به معنای صبح می دانستند (بنگرید به: طبری، ۱۴۱۲: ۳/۲۲۵). ابن ابی حاتم رازی نیز با استناد به سخنی از جابر، به وجود این دیدگاه در روزگار صدر اسلام اشاره کرده است (بنگرید به: ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۱۰/۳۴۷۵). شمار دیگری از مفسران نیز از این دیدگاه یاد کرده اند؛ هرچند بدان معتقد نباشند (بنگرید به: قطب، ۱۴۲۵: ۶/۴۰۰۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۵/۳۴۸).

۳-۱-۱. دلایل دیدگاه نخست

پیروان دیدگاهی که «فَلَقَ» را به معنای صبح می داند، گاه ذیل دیدگاه های خود،

دلایلی را مطرح کرده‌اند که به صورت مختصر به آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) عبارت «فَالِقُ الْإِصْبَاحِ»

از مواردی که پیروان دیدگاه نخست بدان استناد کرده‌اند، وجود عبارتی در قرآن است که در آن، واژه «فالق» که اسم فاعل ماده «فلق» است، در مورد کلمه «إِصْبَاح» به کار رفته است. آیه در بردارنده این عبارت، چنین است: «فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ» (انعام / ۹۶)؛ [هموست که] شکافنده صبح است، و شب را برای آرامش و خورشید و ماه را وسیله حساب قرار داده. این اندازه‌گیری آن توانای داناست.

ابن جریر در تفسیر خود، چنین آورده است: «فَلَقُ الصُّبْحِ حَدَّثَنِي يُونُسُ، قَالَ: أَخْبَرَنَا ابْنُ وَهَبٍ، قَالَ: قَالَ ابْنُ زَيْدٍ، فِي قَوْلِ اللَّهِ: ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾. قِيلَ لَهُ: فَلَقُ الصُّبْحِ، قَالَ: نَعَمْ، وَقَرَأَ: ﴿فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا﴾» (طبری، ۱۴۱۲: ۳۰ / ۲۲۶)؛ «فلق» به معنای صبح است؛ چنان که یونس از ابن وهب از ابن یزید نقل کرده است که «فَلَقُ» در ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ به معنای صبح است و سپس [به عنوان شاهد] آیه «فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا...» را تلاوت کرد.

این گروه معتقدند که چون قرآن کریم در موضعی، کلمه «فالق» را درباره صبح به کار برده است، واژه «فَلَقُ» در سوره فَلَاق نیز به معنای صبح است. این استناد، یکی از قدیم‌ترین دلایل پیروان این دیدگاه است که همواره بدان تمسک جسته‌اند و به عنوان یکی از دلایل اصلی آنان، در منابع تفسیری موجود است (بنگرید به: بغوی، ۱۴۲۰: ۵ / ۳۳۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۸ / ۵۰۳).

ب) وجود اقوالی از صحابه و مفسران صدر اسلام

برخی از تفاسیر پیشین، روایاتی را نقل کرده‌اند که منسوب به مفسران مشهور صدر اسلام، مانند ابن عباس، صحابه و پسرعموی پیامبر ﷺ است. بر اساس آن روایات، واژه «فَلَقُ» در آیه نخست سوره فَلَاق، به معنای صبح است. برای مثال، در تفسیر نُسْتَری چنین

آمده است: «وَالْفَلَقُ: الصُّبْحُ عِنْدَ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ» (تستری، ۱۴۲۳: ۲۱۰)؛ فلق نزد ابن عباس، به معنای صبح است. عبدالرزاق در تفسیر القرآن العزیز همین دیدگاه را به قتاده نسبت می‌دهد (بنگرید به: صنعانی، ۱۴۱۱: ۲/۳۳۳). چنان که یادشد، طبری در تفسیر جامع البیان نقل کرده است که عده‌ای از مفسران صدر اسلام، همچون ابن عباس، مجاهد، حسن [از مفسران پیشین]، سعید بن جبیر و جابر بن عبدالله «فَلَقٌ» را در آیه یادشده، به معنای صبح می‌دانستند (طبری، ۱۴۱۲: ۳۰/۲۲۵).

ج) استعمال «فَلَقٌ» به معنای صبح در اشعار قدیمی

از دیگر دلایل این گروه، این است که در ادبیات عرب، واژه «فَلَقٌ» به معنای صبح به کار رفته است. برای مثال در تفسیر غریب القرآن فی شعر العرب، ذیل آیه نخست سوره فلق، چنین آمده است: شخصی از ابن عباس، درباره معنای «فَلَقٌ» سؤال می‌کند و وی جواب می‌دهد: «فَلَقٌ» به معنای صبح است. سپس دوباره می‌پرسد که آیا عرب این معنا را می‌شناسد؟ ابن عباس به او پاسخ مثبت داده، به شعری قدیمی از زهیر بن ابی سلمی استناد می‌نماید که آن شعر چنین است:

يَا فَارِحَ الْكَرْبِ مَسْدُولًا عَسَاكِرُهُ كَمَا يُفْرَجُ عَمَّ الظُّلْمَةِ الْفَلَقُ

ای گشاینده غم و اندوه از سربازانی که در دام افتاده‌اند؛ همچنان که فلق، تاریکی شب را از بین می‌برد.

در کتب تفسیری دیگر نیز به این شعراستناد شده است (بنگرید به: ابن عباس، ۱۴۱۳: ۹۹؛ صنعانی، ۱۴۱۱: ۲/۳۳۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۶/۴۱۸). روشن است که در این بیت، «فَلَقٌ» به معنای صبح است.

۲-۳. دیدگاه دوم؛ فَلَقٌ به معنای آفرینش

برخی از مفسران و مترجمان قرآن کریم معتقدند که واژه «فَلَقٌ» در آیه نخست سوره فلق، به معنای خلقت و آفرینش است. پیروان این دیدگاه بر این باورند که «فَلَقٌ»، فقط به صبح اطلاق نمی‌گردد؛ بلکه مراد از آن، هر چیزی است که از کتم عدم به وسیله خلقت

سر برآورد؛ چرا که خلقت و ایجاد، در حقیقت، شکافتن عدم، و بیرون آوردن یک موجود به عالم وجود است و لزوماً در مورد صبح نیست (بنگرید به: طوسی، بی تا: ۴۳۲/۱۰). کشاف زمخشری، این دیدگاه را بدین شکل نقل می‌کند: «وقیل: هُوَ كُلُّ مَا يَفْلَقُهُ اللَّهُ، كَالْأَرْضِ عَنِ النَّبَاتِ، وَالْجِبَالِ عَنِ الْعُيُونِ، وَالسَّحَابِ عَنِ الْمَطَرِ، وَالْأَرْحَامِ عَنِ الْأَوْلَادِ، وَالْحَبِّ وَ النَّوَى وَ غَيْرِ ذَلِكَ» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴ / ۸۲۰)؛ و گفته شده است که آن (فَلَقَ)، هر آن چیزی است که خدا می‌شکافد؛ همانند شکافتن زمین برای گیاه، و کوه‌ها برای چشمه‌ها، و ابرها برای باران، و رَجَم‌ها برای فرزندان، و دانه هسته و غیر آن.

پیش‌تر به این نکته اشاره شد که عده‌ای معتقدند واژه «فَلَقَ» در سوره فلَق، معنای مفعولی دارد و در حقیقت به معنای «مفلوق» است (بنگرید به: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰ / ۳۹۲). در این صورت، «فَلَقَ» به معنای تمام مخلوقات الهی خواهد بود؛ برای مثال، برخی از مترجمان قرآن کریم، آیه نخست سوره مبارکه فلَق را بدین شکل ترجمه کرده‌اند:

۱. «ای محمد، بگو: پناهنده پروردگار آفرینش» (ترجمه عاملی، ۱۳۶۰).

۲. «بگو پناه می‌برم به پروردگار مخلوقات» (ترجمه قرشی بنابی، ۱۳۷۵).

۳. بگو [ای محمد] فریاد می‌خواهم به خداوند همه آفریده» (ترجمه میبیدی، ۱۳۷۱).

عده‌ای از مفسران قدیم و جدید نیز بر این باورند که واژه «فَلَقَ» در نخستین آیه سوره فلَق، به معنای تمام مخلوقات است (بنگرید به: مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۴ / ۹۳۴؛ طوسی، بی تا: ۴۳۲/۱۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۵ / ۵۱۸).

برخی تفاسیر نیز تنها به وجود این دیدگاه در عصر خویش اشاره کرده‌اند (بنگرید به:

تستری، ۱۴۲۳: ۲۱۰؛ طبری، ۱۴۱۲: ۳۰ / ۲۲۵؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۱۰ / ۳۴۷۵).

۳-۲-۱. دلایل دیدگاه دوم

گروهی که «فَلَقَ» را به معنای آفرینش می‌دانند، ذیل نظر خود، دلایل و استناداتی را

بدین شرح مطرح کرده‌اند:

الف) دلیل لغوی- قرآنی

از مواردی که پیروان این دیدگاه به عنوان دلیل به آن استناد می‌کنند، آیاتی از قرآن است که «فَلَقَ» را در مسائلی غیر از صبح به کار برده است. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

﴿فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اصْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ﴾ (شعراء / ۶۳)؛ پس به موسی وحی کردیم: «با عصای خود بر این دریا بزن» تا از هم شکافت.

﴿إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَىٰ﴾ (انعام / ۹۵)؛ خدا شکافنده دانه و هسته است. از دیدگاه این گروه، در دو آیه یادشده، قرآن کریم، ماده «فَلَقَ» را در مورد دریا و دانه و هسته به کار برده است، و در نتیجه، در سوره فَلَاق نیز به همین معناست.

ب) وجود اقوالی از صحابه و مفسران صدر اسلام

از دیگر دلایلی که پیروان این دیدگاه به آن استناد می‌کنند، وجود روایات تفسیری از صحابه و مفسران مشهور صدر اسلام است؛ روایاتی چند از ابن عباس، حسن، سعید بن جبیر، جابر، مجاهد و قتاده وجود دارد که «فَلَقَ» به معنای آفرینش است.^۱

۱- «حدّثني علي، قال: لنا أبو صالح، قال: ثني معاوية، عن علي، عن ابن عباس، في قوله: ﴿الْفَلَقِ﴾، يعني الخلق» (طبري، ۱۴۱۲: ۳۰/۲۲۶).

«عن ابن عباس رضي الله عنهما قال: الْفَلَقُ: الخلق» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۱۰/۳۴۷۵).

«في قول ابن عباس والحسن وسعيد بن جبيرة وجابر ومجاهد وقتادة وابن زيد- وفي رواية عن ابن عباس: إن الفلق الخلق» (طوسي، بی تا: ۱۰/۴۳۲).

«وعن ابن عباس أيضا: الفلق: [الخلق]» (طبرسي، ۱۳۷۲: ۱۰/۸۶۵).

«وقال الضحاك: يعني الخلق، وهي رواية الوالبي عن ابن عباس» (بغوي، ۱۴۲۰: ۵/۳۳۴).

«وقال علي بن أبي طلحة عن ابن عباس الْفَلَقُ الخلق، وكذا قال الضحاك: أمر الله نبيه أن يتعوذ من الخلق كلّ» (ابن كثير، ۱۴۱۹: ۸/۵۰۳).

۳-۳. دیدگاه سوم: فَلَاق به معنای محلی در جهنم

بر پایه دیدگاه سوم، «فَلَاق» نام مکانی در جهنم است. این دیدگاه، ریشه در روایات دارد و دلیل دیگری برای آن یافت نمی‌شود. البته برخی از مفسران به اقوالی از مفسران پیشین نیز استناد می‌کنند؛ برای مثال، در تفسیر تستری، چنین آمده است: «و فَلَاق، نزد ضحاک، شهری است در جهنم؛ و نزد وَهَب، خانه‌ای است در جهنم؛ و نزد حسن، چاهی است در جهنم» (تستری، ۱۴۲۳: ۲۱۰)؛ اما به نظر می‌رسد که آن اقوال، خود نیز ریشه در روایات دارند؛ چرا که دلیل قرآنی و کلامی و لغوی برای آن یافت نمی‌شود. در روایات مربوط به این دیدگاه هم اختلاف وجود دارد؛ بدین شکل که در این روایات، «فَلَاق» گاهی به چاهی در جهنم اطلاق شده است، گاه به خانه‌ای در جهنم و گاه به شکافی در جهنم و گاه زندانی در جهنم خوانده شده است. (بنگرید به: ابو حمزه ثمالی، ۱۴۲۰: ۳۶۷؛ قمی، ۱۳۶۳: ۴۴۹/۲؛ مکی بن حموش، ۱۴۲۹: ۱۲/۱۵۰۷).

۳-۳-۱. دلایل دیدگاه سوم

دلایل دیدگاهی که «فَلَاق» را به معنای جهنم، و یا چاهی در جهنم، یا شکافی در جهنم، و یا زندانی در جهنم می‌دانند، محدود به برخی روایات می‌شود که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- «فَلَاق» چاهی در جهنم است» (قمی، ۱۳۶۳: ۴۴۹/۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۹۵/۵). بحرانی نیز می‌گوید: «علی بن ابراهیم در معنای سوره فَلَاق می‌گوید: «فَلَاق» چاهی است در جهنم که اهل جهنم از شدت آتش آن پناه می‌جویند» (بحرانی، ۱۴۱۵: ۸۱۱/۵).

۲- صدوق می‌گوید: «پدرم گفت: محمد بن ابی القاسم از محمد بن علی کوفی از عثمان بن عیسی از معاویة بن وهب نقل می‌کند: نزد امام صادق علیه السلام بودیم ... که فرمودند: " فَلَاق " شکافی است در جهنم» (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۲۲۷).

۳- سیوطی نیز در *الدُّرُ الْمَشْهُورِ* خود، تعدادی از آن روایات را با اسنادی که برای آن روایات موجود است، بدین شرح گرد آورده است:

«ابن مردویه از عمرو بن عبسه نقل می‌کند که گفت: ... پیامبر ﷺ از من پرسید: ای پسر عبسه، می‌دانی فلک چیست؟ نام چاهی در جهنم است» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۶/۴۱۸).

«ابن مردویه از عقبه بن عامر نقل می‌کند که گفت: پیامبر ﷺ به من فرمود: سوره فلک را برایم بخوان، آیا می‌دانی «فَلَقَ» چیست؟ دری است در جهنم که وقتی باز شود، جهنم شعله‌ور می‌گردد» (همان‌جا).

«ابن مردویه و دیلمی از عبدالله بن عمرو بن العاص نقل می‌کنند که پیامبر ﷺ فرمود: «فَلَقَ» زندانی است در جهنم که جباران و متکبران، در آن زندانی می‌شوند» (همان‌جا).

«ابن جریر از ابی هریره و او از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که فرمود: «فَلَقَ» چاهی در جهنم است» (همان‌جا).

«ابی حاتم از زید بن علی، و او از پدرانش نقل می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود: "فَلَقَ" چاهی در قعر جهنم است» (همان‌جا).

۴. نقد و بررسی دلایل یادشده

الف) اگرچه در قرآن کریم واژه «فَالِقَ» که اسم فاعل از «فَلَقَ» می‌باشد، به همراه «إِصْبَاحَ» به کار رفته است که مفهوم «فَالِقُ الْإِصْبَاحِ» (انعام/ ۹۶) شکافنده تاریکی شب به نور بامدادان است؛ اما آیات دیگری نیز وجود دارند که در آن‌ها، برخی از مشتقات این واژه، همچون «إِنْفَلَقَ» و «فَالِقَ» در مورد چیزهایی غیر از صبح به کار رفته است؛ مانند «فَأَنفَلَقَ» در «فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ...» (شعراء/ ۶۳)، و «فَالِقَ» در «إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَىٰ...» (انعام/ ۹۵). بنابراین، استناد موردی به یکی از آیات قرآن کریم برای تقویت یک بینش تفسیری، استدلال نادرستی است.

ب) بهره‌گیری از سخنان صحابه و مفسران صدر اسلام در تفسیر قرآن، در صورتی که دلیل قوی بر صدور آن سخنان از زبان معصومان رضی الله عنهم وجود داشته باشد، مفید خواهد بود؛ اما در این مورد، چنین نیست؛ زیرا در سخنانی که به صحابه و مفسران پیشین نسبت داده شده، سندی وجود ندارد؛ و حتی در فرض وجود سند، معلوم نیست که آیا آن

صحابه یا مفسر، نظر معصوم عليه السلام را بیان می‌کند یا اینکه در پی بیان نظر شخصی خودش بوده است؟

ج) اشکال دیگری نیز بر این استدلال وارد است و آن، این است که پیروان هر سه دیدگاه، برای اثبات صحت نظر خود، به اقوالی از صحابه و مفسران پیشین استناد کرده‌اند که نمونه آن چنین است:

نام مفسر	صبح	آفرینش	مکانی در جهنم
روایات ابن عباس	«عن ابن عباس قال: الفلق: الصبح» ^۱	«عن ابن عباس: الْفَلَقُ ^۲ يعني الخلق»	«عن ابن عباس قال: الفلق: سجن في جهنم» ^۳
روایات حسن	«عن الحسن، قال: الفلق: الصبح» ^۴	«في قول ابن عباس و... والحسن... إن الفلق الخلق» ^۵	««فلق»... و نزد حسن، چاهی است در جهنم» ^۶
روایات سعید بن جبیر	«عن سعيد بن جبیر، قال: الفلق: الصبح» ^۷	«في قول ابن عباس و... وسعيد ابن جبیر... إن الفلق	

۱- طبری، ۱۴۱۲: ۳۰/۲۲۵.

۲- همان جا.

۳- همان جا.

۴- همان جا.

۵- طوسی، بی تا: ۱۰/۴۳۲.

۶- تستری، ۱۴۲۳: ۲۱۰.

۷- طبری، ۱۴۱۲: ۳۰/۲۲۵.

	«الخلق» ^۱		
روایات جابر بن عبدالله انصاری	«عن جابر، قال: الفلق: الصبح» ^۲	«في قول ابن عباس و... و جابر... إن الفلق الخلق» ^۳	
مجاهد	«عن مجاهد، قال: الصبح» ^۴	«في قول ابن عباس و... و مجاهد... إن الفلق الخلق» ^۵	

چنان که در جدول دیده می‌شود، پیروان هر سه دیدگاه، برای اثبات درستی دیدگاه خود، به سخنان برخی از صحابه و مفسران پیشین استناد کرده‌اند که در آن‌ها تناقض به چشم می‌خورد؛ برای مثال، در اثبات صحت هر یک از سه دیدگاه، هم از ابن عباس و هم از حسن منقولاتی وجود دارد. ریشه این موضوع را باید در اعتبار و مقبولیت سخنان برخی از بزرگان صحابه و مفسران پیشین جستجو کرد. برای مثال، ابن عباس، از صحابه پیامبر ﷺ و نیز از مفسران مشهور عصر خویش بوده است تا جایی که بنا به روایتی، پیامبر ﷺ در حق وی چنین دعا فرمود: «اللَّهُمَّ عَلِّمُهُ الْحِكْمَةَ وَ تَأْوِيلَ الْكِتَابِ» (ابن ماجه، ۱۴۱۸ق: ۱/۱۷۱). با این حال، بعید است یک صحابه در یک موضوع، چند دیدگاه متفاوت داشته باشد؛ اما در جدول یادشده، به وضوح دیده می‌شود که پیروان هر دیدگاه، سخن خود را به نقل قولی از صحابه‌ای مثل ابن عباس مستند کرده‌اند. بدین سان، به نظر

۱- طوسی، بی تا: ۴۳۲/۱۰.

۲- طبری، ۱۴۱۲: ۲۲۵/۳۰.

۳- طوسی، بی تا: ۴۳۲/۱۰.

۴- طبری، ۱۴۱۲: ۲۲۵/۳۰.

۵- طوسی، بی تا: ۴۳۲/۱۰.

می‌رسد والا بودن منزلت برخی از صحابه و مفسران، باعث شده است تا عده‌ای برای اثبات صحت آرای خود، دست به جعل حدیث و انتساب نظراتشان به آن صحابه بزنند. بنابراین، با وجود تناقض در اقوال صحابه و مفسران، استناد به سخنانی از آن‌ها، نمی‌تواند دلیل خوبی برای اثبات صحت دیدگاه هر یک از گروه‌ها باشد.

د) پیروان دیدگاهی که «فَلَقَ» را به معنای صبح تلقی می‌کند، به برخی از متون اشعار عرب استناد کرده‌اند که در آن‌ها، «فلق» به معنای صبح است؛ و به این نمونه‌های شعری استدلال می‌کنند که لغت عرب در صدر اسلام، «فَلَقَ» را به معنای صبح می‌دانسته است. در فرض صحت مقدمه این سخن نیز، این استدلال، نادرست است؛ زیرا «فَلَقَ» چه در خود قرآن کریم (شعراء / ۶۳ و انعام / ۹۵)، و چه در کتب صدر اسلام، در باره موارد دیگری غیر از صبح نیز به کار رفته است.

ه) دیدگاه سوم، ریشه در روایات دارد و تنها استدلال پیروان این دیدگاه، استناد به روایاتی است که «فَلَقَ» را به عنوان مکانی در جهنم توصیف می‌کند. این استدلال نیز خالی از اشکال نیست. نخست، اینکه در روایات، تناقض وجود دارد؛ چرا که اگر پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام را به عنوان نور واحد در نظر بگیریم، بعید است روایات متناقضی در مورد یک موضوع، از آن‌ها صادر گردد. در حالی که معنای «فَلَقَ» در روایات، گوناگون بوده و به موارد مختلفی چون چاه، زندان، شکاف، وادی و خانه اطلاق شده است. بسیاری از این روایات، مرسل بوده و سند ندارند؛ تنها یک روایت مسند در میان آن‌ها به چشم می‌خورد که آن هم روایت صحیحی نیست؛ زیرا در سند آن شخصی به نام محمد بن علی صیرفی کوفی با کنیه ابوسمینه وجود دارد که طبق نقل کشی در کتاب رجالی اش، در شمار مشهورترین راویان کذاب عصر خودش قرار می‌گیرد (بنگرید به: کشی، ۱۳۴۸: ۵۴۶).

بنا به این دلایل، روایاتی که به آن‌ها استناد شده است، روایاتی غیرقابل اعتماد می‌باشند.

علاوه بر اینکه طبق روایتی از امام صادق علیهما السلام، خداوند با خلقش چنان سخن

نمی‌گوید که آن را نفهمند (بنگرید به: عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/۳۴۱). خود قرآن نیز تصریح می‌کند که به زبان عربی آشکار است: «وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ * ... * بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ» (شعراء/ ۱۹۲-۱۹۵).

براین اساس، بعید می‌نماید خدای متعال در یک سورهٔ مکی و در آغازین ایام نزول قرآن، «فَلَقَ» را در چنین معنای غریبی به کار ببرد.

۵. دیدگاه برگزیده

برای تشخیص معنای صحیح، شایسته است تا معناهای مطرح شده، از لحاظ میزان مطابقت با سیاق آیات نیز بررسی شوند. متن سورهٔ فلق، بدین شرح است:

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ * مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ * وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ * وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ * وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ﴾؛ بگو: «پناه می‌برم به پروردگار فلق، از شر آنچه آفریده، و از شر تاریکی چون فراگیرد، و از شر دمنندگان افسون در گره‌ها، و از شر [هر] حسود، آنگاه که حسد ورزد.

قائل بودن به ارتباط معنایی قوی در میان آیات قرآن، به ویژه آیات یک سیاق، این اندیشه را در ذهن می‌پروراند که معنای واژه «فَلَقَ» هرچه که باشد، باید از تباطی با دیگر آیات سوره و عبارات و مفاهیم موجود در آن‌ها داشته باشد. معقول این است که هر کس بخواهد از شر چیزی به خدا پناه ببرد، خدا را با اسمی می‌خواند که با آن شر، متناسب باشد. ابن عربی در این مورد می‌گوید که مثلاً مریض، با اسم شافی، به پروردگار پناه می‌برد؛ جاهل، از شر جهلش، با اسم عالم به پروردگار پناه می‌برد (بنگرید به: صنعانی، ۱۴۱۱: ۲/۴۷۰). براین اساس، از معانی ذکر شده برای «فَلَقَ»، معنایی صحیح‌تر خواهد بود که ارتباط معنایی اش با مُعَوِّذٍ مَنَّهُ که همان شَرِّ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ (ما خَلَقَ) است، بیشتر باشد. با این وصف، معنای مطرح شده در دیدگاهی که «فَلَقَ» را مکانی در جهنم می‌داند، هیچ سازگاری با سیاق آیات ندارد؛ چرا که در هیچ یک از آیات سوره، سخنی از آتش و جهنم به میان نیامده است.

اما عبارت «ما خَلَقَ»، در آیه دوم، قرینه‌ای است که احتمال صحت دیدگاه دوم (آفرینش) را تقویت می‌کند؛ چرا که اگر «فَلَقَ» به معنای آفرینش باشد، با عبارت «ما خَلَقَ» آنچه که آفرید» در آیه دوم، ارتباط مفهومی دارد. در این صورت، معنا چنین خواهد بود: «بگو پناه می‌برم به پروردگار آفرینش؛ از شر هر آنچه که آفرید».

از سوی دیگر نیز عبارت «غاسِق» در آیه سوم به معنای تاریکی شب، قرینه‌ای است که صحت دیدگاه نخست (صبح) را تقویت می‌کند؛ چرا که اگر «فَلَقَ» به معنای صبح باشد، با عبارت «غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ»؛ (و از شر تاریکی چون فراگیرد)، ارتباط مفهومی دارد و معنا چنین خواهد بود: «بگو پناه می‌برم به پروردگار صبح؛ ... و از شر تاریکی شب، چون فرا گیرد».

ولی از نظر نگارندگان، «فلق» در آیه نخست سوره فلَق، به معنای «آفرینش» است. دلایل این مدعا، به شرح ذیل است:

۱-۵. شاهد نخست

چنان که گذشت، هریک از دو معنای احتمالی «آفرینش» و «صبح» قرینه‌ای دارد که احتمال صحتش را تقویت می‌کند؛ اما در بررسی سیاقی، معقول است قرینه‌ای را در اولویت قرار دهیم که به متن یا کلمه اصلی نزدیک‌تر است. کلمه اصلی مورد بحث ما، «فَلَقَ» است که در آیه نخست قرار دارد. بر این اساس، منطقی است که «آفرینش» را معنای «فَلَقَ» در این سوره تلقی کنیم؛ چرا که قرینه مؤید آن، در آیه دوم قرار داشته و به واژه اصلی نزدیک‌تر است.

۲-۵. شاهد دوم

اگر عبارت «فَلَقَ» را به معنای آفرینش یا مخلوقات بگیریم، در این صورت، کلمه «فَلَقَ» در ابتدای سوره، با همه آیات سوره، ارتباط معنایی آشکاری خواهد داشت؛ زیرا تمام مسائلی که در طول سوره از سریشان به خداوند پناه برده می‌شود، جزء آفریده‌های الهی هستند. در این فرض، مفهوم اجمالی آیات، چنین خواهد شد:

«بگوپناه می برم به پروردگار مخلوقات؛ از شر تمام مخلوقاتش و از شر تاریکی و از شر سحر و جادو و از شر شخص حسود».

اما اگر کلمه «فَلَقَ» را به معنای صبح تلقی کنیم، در این صورت کلمه «فَلَقَ» در ابتدای سوره، تنها با آیه سوم ارتباط معنایی محسوسی خواهد داشت؛ بنا بر این، شایسته است که «مخلوقات» را به عنوان معنای «فَلَقَ» برگزینیم.

نتیجه

در نوشتار حاضر، تلاش شد تا معنای احتمالی برای واژه فلق که از سوی مفسران فریقین مطرح شده، ذکر شود و استدلال‌های هر دیدگاه بررسی گردد. چنان که گذشت، سه دیدگاه مشهور در مورد چیستی معنای «فَلَقَ» از سوی مفسران دوره‌های مختلف، ارائه شده است که عبارت‌اند از: «صبح»، «آفرینش» و «مکانی در جهنم». همچنین یاد شد که پیروان هر دیدگاه، دلایل و شواهدی برای اثبات صحت دیدگاه خود ارائه داده‌اند. نتیجه تحلیل و بررسی نوشتار حاضر، حاکی از آن است که دیدگاه نخست و دیدگاه سوم، صحیح نبوده و دلایل ارائه شده توسط پیروان این دو دیدگاه دارای اشکالاتی است، و دیدگاه دومی که «فَلَقَ» را به معنای آفرینش تلقی می‌کند، صحیح بوده و با سیاق آیات، سازگارتر است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، دفتر مطالعات و معارف اسلامی، قم، ۱۳۷۳ ش.
۲. آلوسی، محمود بن عبدالله، تفسیر روح المعانی، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
۳. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق طیب محمد اسعد، مکتبه نزار مصطفی الباز، ریاض، ۱۴۱۹ ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، تصحیح علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۳ ق.
۵. ابن عباس، عبدالله، غریب القرآن فی شعر العرب، تحقیق نصرالله احمد، مؤسسه الکتب الثقافیه، بیروت، ۱۴۱۳ ق.
۶. ابن عربی، محمد بن علی، تفسیر ابن عربی، تحقیق رباب سمیر مصطفی، دار احیاء التراث

- العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *تفسیر القرآن العظیم لابن کثیر*، دارالکتب العلمیه - منشورات محمدعلی بیضون، بیروت، ۱۴۱۹ق.
۸. ابن ماجه، محمد بن یزید، *سنن ابن ماجه*، تحقیق معروف بشار عوار، دارالجیل، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۹. ابن مزاحم، نصر، *وقعة صفین*، تحقیق هارون عبدالسلام محمد، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ق.
۱۰. ابو حمزه ثمالی، ثابت بن دینار، *تفسیر القرآن الکریم*، دارالمفید، بیروت، ۱۴۲۰ق.
۱۱. ابو عبیده، معمر بن مثنی، *مجاز القرآن*، مکتبه الخانجی، قاهره، ۱۳۸۱ق.
۱۲. امین اصفهانی، نصرت بیگم، *تفسیر مخزن العرفان*، (موجود در نرم افزار جامع التفاسیر نور).
۱۳. بحرانی، هاشم بن سلیمان، *تفسیر البرهان*، تحقیق بنیاد بعثت، مؤسسه البعثه، قم، ۱۴۱۵ق.
۱۴. بغوی، حسین بن مسعود، *تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل*، تحقیق مهدی عبدالرزاق، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.
۱۵. بیضاوی، عبدالله بن عمر، *انوار التنزیل و اسرار التأویل*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۱۶. تستری، سهل بن عبدالله، *تفسیر تستری*، تحقیق محمد باسل عیون السود، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۳ق.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ قرآن*، دارالقلم - دارالشامیه، دمشق - بیروت، ۱۴۱۲ق.
۱۸. زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۱۹. سیوطی، عبدالرحمن، *الدر المنثور*، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ق.
۲۰. صفوی، محمدرضا، *ترجمه قرآن کریم*، دفتر نشر معارف اسلامی، قم، ۱۳۸۸ش.
۲۱. صنعانی، عبدالرزاق، *تفسیر القرآن العزیز*، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۲۲. طباطبایی، سید محمد حسین، *تفسیر المیزان*، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۰ق.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق یزدی طباطبایی، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ش.
۲۴. _____، *جوامع الجامع*، تصحیح ابوالقاسم گرجی، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، ۱۴۱۲ق.

۲۵. طبری، محمد بن جریر، *تفسیر جامع البیان*، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۲۶. _____، *تاریخ الأمم والملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار التراث، بیروت، ۱۹۶۷م.
۲۷. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرين*، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ش.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۲۹. عاملی، ابراهیم، *تفسیر عاملی*، انتشارات صدوق، تهران، ۱۳۶۰ش.
۳۰. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر عیاشی*، مکتبه العلمیه الإسلامیه، تهران، ۱۳۸۰ق.
۳۱. فراء، یحیی بن زیاد، *معانی القرآن*، هیئته المصریه العامه للکتاب، قاهره، ۱۹۸۰م.
۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، *ترتیب کتاب العین*، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، تصحیح أسعد الطَّیِّب، انتشارات اسوه، قم، ۱۴۱۴ق.
۳۳. فضل الله، محمد حسین، *من وحی القرآن*، دار الملائک، بیروت، ۱۴۱۹ق.
۳۴. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، *تفسیر الصافی*، تحقیق حسین اعلمی، مکتبه الصدر، تهران، ۱۴۱۵ق.
۳۵. قرشی بنابی، علی اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۷۵ش.
۳۶. قطب، سید، *فی ظلال القرآن*، دار الشروق، بیروت، ۱۴۲۵ق.
۳۷. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، تحقیق موسوی جزایری، دار الکتب، قم، ۱۳۶۳ش.
۳۸. کاویان پور، احمد، *ترجمه قرآن کریم*، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۷۸ش.
۳۹. کشی، محمد بن عمر، *رجال الکشی*، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش.
۴۰. محلی، محمد بن احمد، *تفسیر جلالین*، تحقیق سیوطی، مؤسسه النور للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۶ق.
۴۱. مصباح زاده، عباس، *ترجمه قرآن کریم*، بدرقه جاویدان، تهران، ۱۳۸۰ش.
۴۲. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۴۲۶ق.
۴۳. مقاتل بن سلیمان، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۳ق.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ش.
۴۵. مکی بن حموش، *الهدایة إلى بلوغ النهایه*، جامعه الشارقه، شارجه، ۱۴۲۹ق.
۴۶. میبدی، احمد، *کشف الاسرار و عده الأبرار*، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۱ش.
۴۷. واحدی، علی بن احمد، *الوجیز فی تفسیر کتاب الله العزیز*، تحقیق داودی، دار القلم، بیروت، ۱۴۱۵ق.
۴۸. یزیدی، عبدالله بن یحیی، *غریب القرآن و تفسیره*، عالم الکتب، بیروت، ۱۴۰۵ق.